

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده: میلنا رامپلدی
برگردان از: حمید بهشتی
۱۹ فبروری ۲۰۱۶

حمایت اسلام از حقوق زنان خلاف فقه سنتی مصاحبه با صدیقه وسمقی



خانم وسمقی

بسیاری از تعصبات و تبعیضات نسبت به زنان در جوامع مسلمان تحت لوای اسلام توجیه می شوند. از این طریق که همه چیز را به دینمان منسوب می کنند. این برای مردان ساده ترین راهی بوده است تا خواسته هایشان را از راه تحریف دین به کرسی بنشانند. هنگامی که نظریاتی با اسلام توجیه شود، حتما نادرست هم که باشند، برای مردم کار مشکلی است که در مقابل آن مقاومت نمایند. از سوی دیگر، به این ترتیب قانع نمودن زنان مسلمان به پذیرش آن نظریات ساده تر بوده است.

میلنا رامپلدی: برای شما که یک زن هستید تدریس علم فقه به چه میزان مشکل بود و مهم ترین پیشنهادی در مورد زنان در جوامع اسلامی کدامند؟

صدیقه وسمقی: من اولین زنی بودم که در ایران در فقه و حقوق اسلامی دکترا گرفتم. پس از اخذ دکترا در دانشکده الهیات دانشگاه تهران من تنها زنی بودم که در حقوق اسلامی تدریس می کردم. درجه علمی من چنان بود که مجاز بودم رشته های تخصصی را تدریس نمایم. اما این که من را به این زمینه ها راه دهند کار ساده ای نبود. زیرا در دانشکده الهیات سنت نادرستی حاکم بود بر این مبنا که ما زنان فقط حق داشتیم دروس عمومی را تدریس کنیم. اما استادان مرد

اجازه تدریس در هر دو زمینه را داشتند، هم به دختران دانشجو و هم به پسران و آنها در هر دو زمینه عمومی و تخصصی. بر این مبنای نادرست به زنان اجازه نمی دادند در زمینه های تخصصی و در سطوح بالا تدریس کنند. و این بدترین تبعیض ها بر زنان در زمینه دانشگاهی است. من نمی توانستم و نمی خواستم این را تحمل کنم. به همین جهت مجبور بودم در مقابل آن بایستم. همکاران مرد با این کار من موافق بوده اما حاضر نبودند در مبارزه علیه یک سنت نادرست شرکت نمایند. زیرا این مسأله آنها نبود. چند زن مدرس دیگر نیز که در سایر بخش ها تدریس می کردند حاضر نبودند به من در مبارزه ای که می کنم یاری رسانند. شاید فکر می کردند که این کار به نتیجه ای نخواهد رسید و یا حاضر نبودند برای آن متقبل هزینه ای شوند. اما این ها اهمیتی نداشت. در آغاز من به تنهایی مبارزه می کردم. اما دانشجویان از من حمایت می کردند. این یاری بسیار مفید بود. به ویژه حمایتی که از جانب دانشجویان مرد می شد. به من امکان داده شد که در رشته های تخصصی به دختران و پسران درس دهم. اما بدون حمایت دانشجویانم توفیق حاصل نمی شد. اگرچه من شخصاً توانستم درس های مورد نظر را تدریس کنم، اما نتوانستم این سنت تبعیض آمیز را به طور پایدار تغییر دهم. زیرا برای ایجاد این تغییر همه باید مشارکت می کردند، نه فقط زنان بلکه مردان نیز. من روزی را به خاطر می آورم که به کلاس درس وارد شدم و با شگفتی رئیس دانشکده را که یک روحانی بود در جای خود در حال تدریس یافتیم. او هر چه از دستش بر آمد کرد تا نگذارد من در آن رشته تخصصی تدریس کنم. اما به اقبال و حمایت دانشجویان و چند رسانه او سرانجام شکست خورد.

متأسفانه بسیاری از تعصبات و تبعیضات نسبت به زنان در جوامع مسلمان تحت لوای اسلام توجیه می شوند. از این طریق که همه چیز را به دینمان منسوب می کنند. این برای مردان ساده ترین راهی بوده است تا خواسته هایشان را از راه تحریف دین به کرسی بنشانند. هنگامی که نظریاتی با اسلام توجیه شود، حتماً نادرست هم که باشند، برای مردم کار مشکلی است که در مقابل آن مقاومت نمایند. از سوی دیگر، به این ترتیب قانع نمودن زنان مسلمان به پذیرش آن نظریات ساده تر بوده است. تبعیضات و تعصبات بسیاری هست که در جوامع مسلمان قانونی می شوند. یکی از بدترین آنها کشتن زنان تحت لوای اسلام است که همان قتل ناموسی است. در برخی از جوامع مسلمان کشتن یک زن مذنون نه فقط قانونی است بلکه به لحاظ فرهنگی تحسین آمیز است. اما این جنایت عظیمی در حق زنان است. قرآن که مأخذ اصلی اسلام است این کار را به صراحت رد می کند. سنت اسلامی نیز آن را رد می کند. اما این تعصبات جاهلانه از جانب فقه اسلامی به نحو نادرستی توجیه شده است و به همین دلیل یک چنین قتلی ممنوع به حساب نمی آید. متأسفانه قانون جزائی ایران نیز با اینگونه قتل مقابله نمی کند در حالی که اسلام به صراحت بر این تأکید دارد که اعمال حلال و حرام برای مرد و زن مصداق برابر دارند. جنسیت انسان در قوانین اصیل اسلامی هیچ تأثیری نداشته است. به حکم عقل هیچ تفاوتی میان جرمی که از یک زن سر زده باشد و جرمی که از جانب مردی انجام شده باشد وجود ندارد. این حکم مورد تأیید اسلام است، اما بدان عمل نمی شود. به همین جهت در جوامع مسلمان جرم برای زنان دامنه گسترده تری از جرم برای مردان دارند.



میلنا رامپلدی: فمینیسم در اسلام از نظر شما چه منزلتی دارد؟

صدیقه وسمقی: فمینیسم جنبشی است که برای برطرف سازی تبعیض بر زنان و مبارزه به خاطر حقوق بنیادین برابر به وجود آمده است. اگر شما از من می پرسید که آیا اسلام با این اهداف فمینیسم همسو می باشد پاسخ من به شما این است که من هیچ تناقضی میان تعالیم اسلام و اهداف یاد شده فمینیسم نمی بینم. اسلام چهارده قرن پیش گام های مهمی را برای بهبود حقوق زنان برداشت و آنهم در زمانی که هیچ جنبشی برای نائل شدن به برابری حقوق زنان وجود نداشت. از اصلاحات اسلام که در جهت حمایت از حقوق زنان انجام می شد، مردان حمایت نمی کردند و زنان نیز فاقد هوشیاری کافی و امکانات عملی برای پیشبرد این اصلاحات بودند. اصلاحات اسلام متناسب با ظرفیت جامعه در آن زمان صورت گرفت. هیچ دلیلی وجود ندارد که اسلام با برابری حقوق مرد و زن مخالف باشد. این تبعیضات از اسلام سرچشمه نمی گیرند بلکه ناشی از انسانهاست و این در دست خود انسانهاست که این تبعیضات را برطرف سازند. قوانین مربوطه جزو ضروریات اسلام نیستند. فقه سنتی اسلام از این برابری حقوقی حمایت نمی کند. لذا من در اینجا بر تفاوت میان فقه و اسلام تأکید می کنم. آنچه فقه می خواهد لزوماً خواست اسلام نیست. زیرا فقه سنتی هیچ دلیل قانع کننده ای برای اثبات تبعیض علیه زنان ندارد.

میلنا رامپلدی: موضوعات اصلی که شما در کتاب «زن، فقه، اسلام» بدان پرداخته اید کدامند؟

صدیقه وسمقی: من در این کتاب به سه موضوع مهم پرداخته ام:

- قائل شدن به تفاوت میان اسلام و قوانین فقهی. این قوانین از سنت و فرهنگ پیروان اولیه اسلام نشأت گرفته است. من بر این نظرم که اکثریت این مقررات از اسلام سرچشمه نگرفته اند بلکه از سنت برآمده اند.

- موضوع بعدی بررسی قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است که به شریعت اسلام نسبت داده می شود. من استدلال های مربوطه را که فقهای اسلامی مطرح ساخته اند رد کرده ام. آنها کوشیده اند ثابت کنند که این قوانین، قوانین اسلامی بوده و به همین جهت می باید به آنها عمل شود. آنها تبعیض بر زنان را بر مبنای عقیدتی استوار ساخته اند که از نظر من دلایل آنان قابل مناقشه و رد است که من در کتاب خود بدانها پرداخته ام. فقهای اسلامی قرن هاست که موفق گشته اند نظرات خود را بر جوامع مسلمان و بر فرهنگ اسلامی تحمیل نمایند. اما دلیل موفقیت آنان این نبوده که دلایل قانع کننده ای داشته اند، بلکه بدین خاطر بوده که هیچ کس و به ویژه هیچ زنی در مقابل آنها نایستاده و دلائل مزبور را زیر سؤال نبرده است.

- موضوع سوم نتیجه گیری من از بحث هاست به این ترتیب که هیچ یک از احکام، به ویژه احکام مربوط به خانواده، جامعه و بخش های مدنی و جزائی جزء شریعت نیستند. قانون گذاری به مردم واگذار گشته است نه به اسلام زیرا هر جامعه ای به ضروریات و شرایط و نیازهای خود در قانونگذاری توجه دارد. آنها سنت ها را به اسلام نسبت می دهند، حتا اگر از اسلام سرچشمه نگرفته باشند .

من به کلی بر این باورم که ایران و جوامع مسلمانان به اصلاح شریعت احتیاج ضروری دارند، بدین معنی که شریعت می باید بر زمینه های تعالیم اخلاقی و اعمال عبادی محدود گشته و امور مدنی و جزائی از شریعت جدا شوند .

در مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب وسمقی چنین آمده است:

«صدیقه وسمقی در کتابش با استدلال از زنان جانبداری می کند. گذشته از آن وی در سطحی علمی مسأله تفسیر منابع شیعی مانند قرآن، سنت پیامبر و ائمه را مورد بحث قرار می دهد. وی با این کار موضعی را اتخاذ می نماید که با مواضع حکومت ایران، قوه قضائیه و قوانین جاری کشور به صراحت تناقض دارند. وی بر مبنای این تحلیل تازه از منابع مزبور نشان می دهد که در حقوق اسلامی عدالت جنسی بیشتری ممکن بوده و زنان مسلمان بیش از آن که به آنها در حال حاضر حق داده می شود، حق دارند. او اعتراضاتی به قوانین سوال بر انگیز در زمینه قانون جزائی دارد و به این که دختران با ۹ سالگی بالغ و به لحاظ حقوقی مسؤول به حساب می آیند. علاوه بر آن وی تعدد زوجات را که برای زندگی مدرن خانوادگی خطرناک می داند زیر سوال می برد و از حق زنان برای قیمومیت و سرپرستی فرزندان، شهادت و قضاوت دفاع می کند. پیش از انقلاب در ایران زنان می توانستند قاضی شوند. اما این حق پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ لغو گشت. امروزه حق آنها بر این که به همراه یک مرد در قضاوت شرکت نمایند محدود است.»

میلتا رامپلدی: شعر گفتن برای شما چه مفهومی دارد و دارای چه ارزشی است؟

صدیقه وسمقی: از زمانی که من و شعر با هم آشنا شدیم با یکدیگر زندگی می کنیم. شعر برای من مانند هوا برای تنفس است و نیز قوی ترین و کوتاه ترین زبان برای اعتراض. شعر بهترین دوست من است و به من در سخت ترین لحظات زندگی آرامش می بخشد. شعر گفتن برای من همیشه برای بیان اندیشه و احساساتم مهم بوده است. من را به خاطر شعرم تعقیب و تهدید نمودند و این میزان اهمیت شعر را در زندگی من نشان می دهد .

میلتا رامپلدی: امروزه کدامین اصلاحات در ایران برای زنان مسلمان لازم اند تا به حقوق خود برسند؟

صدیقه وسمقی: در ایران برای تأمین حقوق زنان به اصلاحات کوتاه مدت و درازمدت احتیاج است. از اصلاحات کوتاه مدت منظورم اصلاحات قانونی در زمینه های حقوق اجتماعی و خانوادگی است. برای مثال: روسری سر کردن برای زنان ایران تکلیف است. حجاب اجباری نادرست، ظالمانه و ضد اخلاقی است و تأثیرات بدی بر زندگی زنان دارد. دخالت حکومت بر یک زمینه شخصی مانند لباس پوشیدن موجب یک رشته محدودیت ها و مشکلاتی برای زنان گشته و امنیت اجتماعی و روانی آنان را مخدوش ساخته است. زیرا این مقررات به پولیس مسؤول این امور اجازه اقدامات غیراخلاقی و بی دلیل علیه زنان می دهد . بر مبنای این مقررات زنان در زمینه ورزشی امکانات بسیار محدودی دارند. یکی از موارد قوانین تبعیض آمیز مزبور این است که زنان برای گرفتن گذرنامه به اجازه همسرشان احتیاج

دارند. مردان می توانند از این قوانین سوء استفاده کرده و همسر خود را تحت فشار بگذارند. بر اساس قانون خانواده ایران که گفته می شود بر مبنای شریعت استوار است مادر پس از فوت شوهرش هیچ امکان حقوقی در قبال فرزندانش ندارد. حقوق او در قبال فرزندانش به رسمیت شناخته نمی شوند و قیمومیت به پدر بزرگ و اگذار می شود. من بر این باورم که اینگونه مقررات قابل تطبیق با وضع زنان در عصر حاضر نیستند. زنان هیچ گونه قدرت سیاسی ندارند. یک زن نمی تواند رئیس جمهور شود یا به مقامات مهم سیاسی دست یابد. لازمه بهبود حقوق زنان ، اصلاح اینگونه قوانین است .

در فرایند اصلاحات دراز مدت، اصلاح قانون اساسی نیز لازم است. یک ضرورت مبرم دیگر اصلاحات فرهنگی است. من فکر می کنم که همه سنت ها و رویکردهای نادرست در جوامع مسلمان می باید اصلاح گردند و این برای ایران نیز صدق می کند.

برای به انجام رساندن اصلاحات کوتاه یا درازمدت زنان به قدرت سیاسی و اجتماعی احتیاج دارند. آنها می باید آگاهانه برای به دست آوردن حقوقشان فعال شوند .

میلنا رامپلدی: اهمیت وجود اپوزیسیون اسلامی در مقابل اسلام حکومتی در ایران و جهان اسلام در چیست؟

صدیقه وسمقی: یک حکومت اسلامی ، اسلام را برای انجام هر کاری وسیله می کند. مراحل تصویب قانون، اعمال محدودیت ها، جا انداختن خطوط سیاسی، اعمال فشار و همه کارهای دیگر را به اسلام منصوب می کنند. مخالفت با قوانین و سیاست ها را مخالفت با اسلام قلمداد کرده، مجازات می نمایند. آگاهی اکثر افراد در مورد اسلام کم بوده، به حکومت اسلامی این امکان را می دهد که برای سرکوب آزادی و حقوق بشر بگذارند خرافات در اسلام غالب گردد. اگر برای آگاهی مردم به آنها گفته می شد این خرافات جزو تعالیم اسلام نیست انجام تغییرات سهل تر می شد. زیرا تا زمانی که مردم مسلمان بر این باور هستند که آنچه روحانیون مسلمان و فقه اسلامی ادعا می کنند بخشی از شریعت اسلام است، روند تحولات به سختی انجام پذیر است. هنگامی که با انسانها در باره باورهایشان برای رد یا تصحیح این امور صحبت شود باید با ارائه دلایل کافی و مدرک و به کار بردن عبارات مناسب عمل نمود تا این که قانع کننده باشد. به عنوان مثال در زمینه حقوق تبعیض آمیز زنان، از قرن ها پیش فقه ادعا می کند که این قوانین تبعیض آمیز بر شریعت اسلام استوار است. روزانه به هزاران طلبه در هزاران مدرسه اسلامی آموزش می دهند که این قوانین بخشی از شریعت است. اگر در زمینه اصلاح این باورها دستاوردی حاصل گردد، این برای سراسر جهان اسلام ارزش دارد. مجامع اسلامی باهم مرتبط هستند و بر یک دیگر متقابلاً اثر می گذارند. قوانین شریعت اسلام در مذاهب مختلف اسلامی و نیز در نحله های مختلف با هم شباهت بسیار دارند و در زمینه حقوق زنان تقریباً تفاوت مهمی میان آنها وجود ندارد.

در اینجا می خواهم این را نیز گفته باشم که مبنای حکومت اسلامی (گذشته از آنکه چه گروهی آن را بنا کرده باشد) متکی بر قانون اسلام است. مهم ترین مقررات شریعت متوجه حقوق خانواده و جزائی است. اما هر حکومت اسلامی می تواند با توجه به مصالح خویش از قوانین جزائی به اصطلاح اسلامی نظیر سنگسار، شلاق زدن و قطع عضو صرف نظر نماید. اما چنان که تجربه نشان داده است، حکومت اسلامی مایل به چشم پوشی از قوانین خانواده نیست. هدف توجه ویژه به قانون خانواده در شریعت، کنترل زنان و استحکام حقوق تبعیض آمیز نسبت به زنان است. این بدان معناست که توجه ویژه حکومت اسلامی بر این قرار دارد که وضعیت سنتی زنان ثابت بماند. لذا با اصلاحات به نفع زنان مخالفت می کنند. در عمل نیز در صورتی که مردان و زنان دارای حقوق برابر باشند برای حکومت اسلامی

مفهوم شریعت از بین می رود و این نشان می دهد که مبارزه برای حقوق زنان در جوامع مسلمان چقدر مشکل و مهم است، به ویژه با نشان دادن این که اسلام هرگز با برابری حقوق مرد و زن مخالفت نکرده است .

برگرفته از تلاکسکالا- ۸ فیبروری ۲۰۱۶

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=17201>